

استراتژیک

تمرکزکنگره آمریکا بر ایران

اندیشکده «مرکز عربی در واشنگتن» در گزارشی نوشت: ایران به‌طور برجسته‌ای در دستور کار قانونگذاری کنگره قرار گرفته است. نمایندگان کنگره پس از تعطیلات کوتاه، به واشنگتن بازگشتند. این تعطیلات دو هفته‌ای با تحولات عمده‌ای در خاورمیانه همزمان شد. ایالات متحده و ایران، چهار دور مذاکرات مستقیم درباره برنامه هسته‌ای ایران برگزار کرده‌اند، اما وضعیت همچنان حساس است. گرچه این دیپلماسی تحولی مهم به‌شمار می‌آید، اما رویکرد بی‌ثبات دونالد ترامپ در سیاست خارجی، هرگونه پیش‌بینی درباره نتایج این لحظه را دشوار کرده است. از ژانویه، قانونگذاران دموکرات و جمهوری‌خواه به‌طور فعال کار کرده‌اند تا عناصر سیاست «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه ایران را به قانون تبدیل کنند. دولت ترامپ این سیاست را در یادداشت امنیت ملی مورخ ۳ فوریه ترسیم کرد که در آن چندین هدف برای آمریکا در قبال ایران تعیین شد. در این شرایط، ایران به‌طور برجسته‌ای در دستور کار قانونگذاری کنگره قرار گرفته است. اما با وجود علاقه گسترده به مساله ایران در سراسر کنگره، قانونگذاران تمایلی به سهمیم شدن در مواضع تندروانه دولت ترامپ نشان ندادند. به‌ویژه، لایحه‌ای که نماینده دموکرات «جرد ماسکویتز» در فوریه ۲۰۲۵ معرفی کرد و در آن تأکید شده بود که «تمام گزینه‌ها» باید برای مقابله با تهدیدات ایران علیه ایالات متحده، اسرائیل و متحدان مدنظر قرار گیرد، نتوانسته است توجه چندانی جلب کند. سناتور «لیندزی گراهام» نماینده جمهوری‌خواه رهبری جناح تندرو سنا را بر عهده داشته، اما در آنجا نیز حمایت معنی‌داری برای هرگونه حمله مستقیم نظامی به ایران محدود بوده است. لویاچی که گراهام رهبری کرده که هر دو به‌طور بالقوه حمایت از حملات مستقیم به ایران را مطرح می‌کنند، از زمان معرفی در ژانویه و فوریه گذشته از حمایت چندینی برخوردار نبوده است. در عوض، قانونگذاران به دنبال راه‌های دیگری برای اعمال فشار بر ایران بوده‌اند. جلسه استماعی که کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان در ۱ آوریل برگزار کرد با عنوان «بازگشت به فشار حداکثری: مقابله جامع با فعالیت‌های ایران» به‌خوبی لحن این دستور کار را مشخص کرد. در نتیجه، قانونگذاران به سمت هدف قرار دادن امور مالی ایران حرکت کرده‌اند، به‌طوری که اکثر تلاش‌هایشان بر گسترش تحریم‌ها متمرکز بوده است. از ۱۲ فوریه تا ۱ آوریل، حداقل یازده طرح قانونی جدید در کنگره معرفی شد که یا به دنبال گسترش تحریم‌ها علیه ایران بودند یا دسترسی ایران به سرمایه مالی را هدف قرار می‌دادند.

امنیت

بازداشت شهروند اسرائیلی به جرم ارتباط با ایران جمهوری اسلامی ایران خبر داد. سرویس امنیت داخلی رژیم صهیونیستی (شایاباک) مدعی شد که یک صهیونیست را به دلیل همکاری با ایران بازداشت کرده است. طبق این گزارش، فرد بازداشت‌شده متهم است اقداماتی را به نفع ایران انجام داده و اطلاعاتی را که ممکن است امنیت رژیم صهیونیستی را به خطر بیندازد، متعلق کرده است.

شایاباک هنوز جزئیات بیشتری درباره هویت این فرد یا نوع دقیق تخلفات منتشر نکرده، اما اعلام کرده است که تحقیقات در این پرونده ادامه دارد. رژیم صهیونیستی طی ماه‌های گذشته نیز چند ساکن سرزمین‌های اشغالی را به اتهام همکاری با ایران بازداشت کرده بود.

پیشتر وبگاه «واللا» به نقل از گزارش نهادهای امنیتی رژیم صهیونیستی ادعا کرده بود ایران در حال جاسوس در اسرائیل است و شهروندان ما حاضرند برای پول به اسرائیل خیانت کنند.این رسانه مدعی شد که شایاک از ابتدای جنگ تا کنون با ۱۱ عملیات جاسوسی و س‌ل‌لاش ایران برای ترور شخصیت‌های صهیونیست مقابله کرده است. واللا همچنین به نقل از گزارش نهادهای امنیتی آورده است: ایرانی‌ها دشمنان پیچیده‌ای هستند که سریع تسلیم نمی‌شوند و به دنبال کانال‌های جدید می‌گردند.

استراتژیک

مرشایم بررسی کرد



متفکر برجسته روابط بین‌الملل با بیان اینکه «در سال ۲۰۲۴ اسرائیلی‌ها ۲ بار تلاش کردند تا آمریکا را به تله جنگ با ایران بکشانند»، گفت: اکنون نیز آنها به‌دنبال همین هستند اما این تلاش‌ها شکست خواهد خورد. به گزارش ایسنا، «جان مرشایم» متفکر برجسته روابط بین‌الملل، استاد دانشگاه شیکاگو و یکی از کارشناسان مطرح در حوزه واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل، در گفت‌وگویی مفصل با یک رسانه روس درباره سیاست‌های رژیم صهیونیستی تصریح کرد: «۶۰ درصد اسرائیلی‌ها نگران وقوع جنگ داخلی هستند. پیش از هفتم اکتبر نیز، تصمیم دولت اسرائیل برای ایجاد اصلاحات قضایی به تشدید نگرانی‌ها درباره وقوع جنگ داخلی در اسرائیل انجامیده بود و از زمان هفتم اکتبر، این حس فقط قوی‌تر شده است».

مرشایم که با برنامه «چشم‌های اسرائیل» در تل‌آویو به‌دنبال می‌کرد، افزود: «مطمئن نیستم که در اسرائیل جنگ داخلی رخ دهد، اما پس از پایان یافتن جنگ غزه، احتمال جدی وقوع آن وجود دارد. حتی در صورت عدم وقوع جنگ داخلی در اسرائیل، این کشور در بی‌ثباتی گسترده داخلی قرار خواهد گرفت. زمانی که جنگ متوقف شود و بسیاری جایگاه و موقعیت اسرائیل را بررسی کنند، از موقعیت آن و شرایط داخلی در حال فروپاشی آن شوکه خواهند شد.»مرشایم در پاسخ به سؤالی درباره احتمال استفاده دولت آمریکا از چنین موضوعی به‌عنوان اهرم فشار علیه «لای صهیونیست‌ها» در آمریکا تصریح کرد: «اسرائیل صاحب دولت ترامپ است. این موضوع هیچ جذباتی ندارد. ترامپ هیچ کاری برای به چالش کشیدن اسرائیل نخواهد کرد. او زمانی وارد کاخ سفید شد که جو نسل کش (جو بایدن، رئیس‌جمهور پیشین آمریکا و لقب او) در جنایات اسرائیل و نسل‌کشی کنونی علیه فلسطینیان شریک بود.» او افزود: «پس از ورود ترامپ به کاخ سفید، او حتی بیشتر از جو نسل‌کش به اسرائیلی‌ها برای نسل‌کشی فلسطینیان کمک کرد. این مسئله نشان دهنده وابستگی شدید ترامپ به لای صهیونیست‌هاست.»

اسرائیل تلاش کرد آمریکا را به تله جنگ با ایران وارد کند اما شکست خورد
مرشایم‌ر در پاسخ به سؤالی درباره «شوک اسرائیل از توافق ترامپ با انصارالله یمن بدون آگاهی اسرائیل» و خواسته رژیم صهیونیستی برای حمله آمریکا به ایران تصریح کرد: «بدون شک اسرائیل خواستار بمباران ایران توسط آمریکااست. آن‌ها در حال تلاش‌های بسیاری در همین راستا هستند. در مسئله فلسطین، اسرائیلی‌ها به همه خواسته‌هایشان می‌رسند اما خارج از موضوع فلسطین، موضوعی همچون ایران، لای صهیونیست‌ها نفوذ کمتری دارد.» او با اشاره به تنش آفرینی‌های رژیم صهیونیستی علیه ایران تأکید کرد: «فراموش نکنید که در سال ۲۰۲۴، در آوریل و اکتبر، اسرائیلی‌ها تلاش کردند تا آمریکا را به طمعه جنگ با ایران بکشانند. ایران خواستار جنگ با آمریکا نیست. آمریکا نیز تلاش خواستار جنگ با این کشور نیست. اهمیتی ندارد چه کسی در کاخ سفید باشد، اسرائیل فقط در سال ۲۰۲۴ دو مرتبه تلاش کرد تا آمریکا را به تله جنگ با ایران وارد کند. اکنون نیز آن‌ها به‌دنبال همین هستند. اما تلاش‌های آن‌ها مشابه گذشته شکست خواهد خورد.» مرشایم افزود: «در موضوع حوثی‌ها (انصارالله)، فراموش نکنید که این موضوع تأثیرات بسیاری روی سیاست آمریکا دارد. ما نیروهای دریایی بسیاری به دریای سرخ اعزام کردیم و به آن‌ها در شرق آسیا نیاز داریم. از طرفی، مهمات بسیاری را تلفت کردیم.

«واشنگتن پست» رجز خوانی‌های آمریکا برای ایران را بررسی کرد

افعال معکوس ترامپ درباره تهران



بازنشر مصاحبه شمخانی در شبکه اجتماعی ترامپ
رئیس‌جمهور آمریکا مصاحبه مشاور سیاسی رهبر ایران با شبکه خبری ان بی سی را در شبکه اجتماعی خود تروث سوشال بازنشر کرد. «علی شمخانی» مشاور سیاسی رهبر انقلاب در گفت‌وگو با ان بی سی گفته بود: ایران در صورت لغو فوری تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا، آماده امضای توافق هسته‌ای با دونالد ترامپ است. او تأکید کرد: «در ازای رفع همه تحریم‌های اقتصادی، ایران متعهد می‌شود هیچ‌کدام سلاح هسته‌ای تولید نکند، ذخایر اورانیوم بسیار غنی‌شده خود را تغییر دهد، غنی‌سازی را در سطح غیرنظامی ادامه دهد و اجازه نظارت بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را بدهد.» شمخانی گفت: «امکان‌پذیر است، اگر آمریکا همان‌طور که

ایفای نقش پلیس. ترامپ زودتر از بسیاری از رؤسای جمهور دیگر، به محدودیت‌های قدرت نظامی آمریکا و خطرات متحdan خودسر بی‌برده است و همان‌طور که بیانیه‌اش درباره ایران نشان می‌دهد، وقتی می‌گوید «آمریکا اول»، این اصل در مورد اسرائیل هم صدق می‌کند.ترامپ در کتاب خود «هنر معامله» گفته بود: «من خیلی آزدانه عمل می‌کنم، کیف‌دستی ندارم، سعی می‌کنم تعداد جلساتم را زیاد نکنم. در را باز می‌گذارم، اگر ساختار زیادی داشته باشی، نمی‌توانی خلایق را کارآفرین باشی.» ترجیح می‌دهم هر روز بایام سر کار و ببینم چه پیش می‌آید.» این توصیف خوبی از سبک سیاست خارجی فی‌البداهه او در زمان حال است.

اشتیاق ترامپ به معامله‌گری بی‌پایان به نظر می‌رسد نه فقط به‌خاطر یک تریلیون دلاری که از عربستان سعودی طلب کرده است بلکه دولت او در هفته‌های اخیر، با شتاب سعی کرده درگیری‌هایی را میان روسیه و اوکراین، حماس، نیروهای یمن، هند و پاکستان، رواندا و جمهوری دموکراتیک کنگو را حل‌وفصل کند.

دیپلماسی ترامپ در خاورمیانه به برخی دستاوردها هم منجر شده است. فرستاده ویژه او، استیو ویتکاف، با حماس مذاکره کرد تا آزادی «ادن الکساندر»، اسیر اسرائیلی-آمریکایی، در روز دوشنبه حاصل شود. ترامپ در همین ماه آتش‌بس غیرمنتظره‌ای با نیروهای یمنی اعلام کرد. و پس از سفر به عربستان سعودی در روز سه‌شنبه، اعلام کرد که تحریم‌های آمریکا علیه سوریه را پایان می‌دهد و قصد دارد با رئیس‌جمهور «احمد الشعار» که زمانی یکی از رهبران وابسته به القاعده بود، دیدار کند. جمله «دشمنان دائمی وجود ندارد» ترامپ، رشای عمیق در تاریخ آمریکا دارد و به توصیه «جورج واشنگتن» در سخنرانی خداقحاطی‌اش برای پرهیز از

رضایت واشنگتن از مذاکرات با تهران

معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در نشست خبری به سؤالی درباره پیشرفت در مذاکرات غیرمستقیم تهران-واشنگتن و زمان برگزاری دور بعدی آن پاسخ داد.

«تامی پیگوت» معاون سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در نشستی خبری در پاسخ به سؤالی درباره اظهارات روز گذشته «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا، مبنی بر این که «آمریکا و ایران بسیار نزدیک به توافق هستند و تهران تقریباً شروط را پذیرفته است» و آا دور دیگری از مذاکرات برای به نتیجه رسیدن این توافق برنامه‌ریزی شده است، بیان کرد: من قصد ندارم در مورد گفت‌وگوهای دیپلماتیک خصوصی اظهار نظر کنم یا از طریق رسانه‌ها در مورد جزئیات این مذاکرات صحبت کنم. پیگوت در ادامه گفت: آنچه می‌توانم بگویم، همان‌طور که بارها تأکید کرده‌ایم، این است که رئیس‌جمهور با صراحت کتاب ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. شرکت‌کنندگان در این مذاکرات، گفت‌وگوها را سازنده توصیف کرده‌اند. بنابراین، بار دیگر تأکید می‌کنم که ایران هرگز نباید سلاح هسته‌ای داشته باشد. این اظهارات در حالی است که ایران بارها اعلام کرده همان‌طور که در گزارش‌های فنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز مشهود است، به تعهدات خود ذیل پیمان منع گسترش تسلیحات هسته‌ای پایبند بوده است.



پاسخ داد.

در برنامه «کتاب و دیپلماسی» در غرفه وزارت امور خارجه در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به پرسش‌های خبرنگاران و شهروندان حاضر در غرفه

شنبه ۲۷ دی‌ماه‌پشت ۱۴۰۴-۱۹ آذرماه ۱۴۴۶- ۱۷ مه ۲۰۲۵- سال بیست وچهارم- شماره ۶۵۴۰

مقاومت

دژاووی سازش

لکه‌نگی بر جبین جهان عرب!

یوم‌النکبه، روزی است که ملت فلسطین در ۱۵ می ۱۹۴۸ شاهد اشغال سرزمین خود و آغاز آوارگی گسترده شدند؛ نه صرفاً شکست نظامی، بلکه فاجعه‌ای تمدنی و انسانی بود.

۱- خیانت نخست، در ناهماهنگی کشورهای عربی و تکیه بر ارتش‌های فرسوده و غیرمردمی بود که نتوانستند پاسخی به تجاوز صهیونیسم بدهند و جنگ را به ضرر فلسطین پایان دادند.

۲- طرح‌های استعماری همچون تقسیم فلسطین با موافقت تلویحی برخی دولت‌های عربی همراه شد؛ معامله بر سر خون فلسطینیان آغاز روندی شد که هنوز ادامه دارد. ۳- برخی رهبران عرب، به‌جای اتحاد و مقاومت، رقابت‌های داخلی و هراس از گسترش نفوذ فلسطینیان در منطقه را اولویت دادند؛ فلسطین بهانه‌ای شد برای کسب مشروعیت، نه میدان دفاع.

۴- در دهه‌های بعد، یوم‌النکبه‌های دیگری رقم خورد: از امضای کمپ دیوید تا عادی‌سازی روابط با تل‌آویو، که هر کدام ضربهای بر پیکر آرمان فلسطین بود.

۵- امروز، عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی توسط برخی کشورهای عربی، مهر تأییدی بر خیانت‌های گذشته است؛ فراموشی درد فلسطین به بهای چند قرارداد اقتصادی.

۶- بازخوانی یوم‌النکبه یعنی فهم این نکته که فلسطین، آزمون‌ی برای شرافت جهان عرب و اسلام است و بی‌عملی، تکرار همان نکهٔ است، هر روز و هر سال.

۷- اینک حماس و جهاد اسلامی از هفتم اکتبر تا کنون می‌جنگند تا تازادی جدیدی رقم نغزده؛ اینان می‌جنگند تا با خون خود از وجب به وجب سرزمین‌شان دفاع کنند و اجازه ندهند لکه‌نگ جدیدی بر جبین جهان عرب بنشیند

منبع:نجبا

تروریسم

پایان نمادین یا انحلال واقعی؟



به گزارش دیدبان حقوق بشر-کردستان ایران؛ یکی از اعضای جدا شده از پژاک در یادداشتی به بررسی موضوع انحلال پ.ک.ک پرداخته و می‌نویسد: دهه‌ها مبارزه مسلحانه که با شعار «حقوق حقوق کردها» آغاز شد، در نهایت به کلام دستاورد مشخص برای مردم کرد در ترکیه انجامید؛ آیا هزاران کشته از هر دو سو، ویرانی شهرها، کوچ اجباری، کودکان‌بازها، نابودی زیرساخت‌های آموزشی و اقتصادی مناطق کردنشین، فقط برای رسیدن به یک توافق سیاسی پنهان یا یک اعلام انحلال نمادین بوده است؟ آیا بهانه دادن به ترکیه برای اشغال عملی برخی مناطق شمالی عراق، پیروزی محسوب می‌شود؟ آیا اهداف پ.ک.ک در ابتدای فعالیتش محقق شده؟ اعلام انحلال پ.ک.ک در شرایطی صورت می‌گیرد که نه‌تنها مسئولیت حقوقی و کیفری جنایات گذشته پذیرفته نشده، بلکه هنوز هم ساختار فرماندهی و کنترلی گروه فعال است. افراد کلیدی همچنان در رأس تشکیلاتی موسوم به «ک.ج.ک» (کنگره جوامع کردستان) حضور دارند؛ تشکیلاتی که زیرمجموعه‌های آن نظیر پژاک، پی.دی.ق،س.د و دیگر عناوین پوششی، به‌طور مستقیم دستورات خود را از آن دریافت می‌کنند.

آیا اکنون باید باور کنیم که پایان این دوران به‌صورت ناگهانی و بدون انگیزه‌های امنیتی و سیاسی جدید رقم خورده است؟ آیا قربانیان این سال‌ها فراموش می‌شوند؟ آیا اوج‌لان در مورد صدها کشته در ساختار پ.ک.ک، هزاران فرد قربانی که حتی جسد و محل دفن آنها نیز ناشناخته است، پاسخ خواهد داد؟ نتیجه واقعی دهه‌ها جنگ چه بوده است؟ ترکیه دموکراتیک‌تر شده، سوریه آزاد شده یا مناطق مرزی ایران مشکلاتشان حل شده است؟

حضور پ.ک.ک در قندیل، عملاً باعث تجاوز ترکیه به خاک عراق و زیر پا گذاشتن خودمختاری نیمه‌نمادن اقلیم نیز شده است. شگفت‌انگیز آنکه پ.ک.ک سواد استقلال داشت، اما با همه‌پرسی مسعود بارزانی برای استقلال کردستان مخالفت کرد؛ مشخص است که اختلاف بر سر تقسیم غنایم و ثروت بوده است. اعلام انحلال پ.ک.ک کافی باشد، سؤال بزرگ اینجاست: تکلیف شاخه‌های وابسته چیست؟ پژاک، پی.دی.ق،س.د، ده‌ها عنوان دیگر که دقیقاً همان رهبری و اندیشه را دنبال می‌کنند، چرا همچنان فعال‌اند؟ آیا دنیا می‌پذیرد که جنایات این گروه، از بابش کودکان تا عملیات‌های تروریستی در مناطق غیرنظامی، بدون پیگرد باقی بماند؟

هیچ‌کس نمی‌داند واقعاً چه بلایی سر امثال علی حیدر قیطان و رضا آل‌توم آمد. سال‌ها پس از ناپدید شدن، فقط اعلام می‌کنند که «کشته نشده‌اند». آیا این شیوه رفتار رفتارشان با اعضای عادی می‌توان داشت؟ تکلیف صدها دختر کشته شده در پ.ک.ک چه می‌شود؟

محصل دفن آنها کجاست؟ مگر آنها برای تاسیس کردستان بزرگ، وارد پ.ک.ک نشدند؟ پس چرا اوج‌لان به خون همه آنها خیانت کرد؟ سخنان امروز اوج‌لان قابل باور است یا شایعه‌ای درپرواز؟

در نهایت باید گفت پ.ک.ک، با همه نام‌ها و پوشش‌هایش، سال‌هاست به کارت بازی در دست قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. این بازی گاه با عنوان مبارزه با داعش، گاه با شعار دموکراسی، و گاه با نام دفاع از کردها صورت می‌گیرد، اما قربانی‌هایش آن دختران و پسرانی هستند که گمان کردند آینده‌ای در مبارزه مسلحانه ذیل یک گروه تروریستی وجود دارد. واقعیت اما این است که هیچ‌کدام، حتی با پای خود وارد که نشدند، اجازه خروج نداشتند. آینده‌شان فروخته شده، و صدایشان خفه ماند. اگر اعتراض کردند، کشته شدند؛ هر کس از پ.ک.ک انتقاد کرد، به خیانت و جاش بودن متهم شد!

اکنون چه عنوانی برای اوج‌لان و کادر اصلی پ.ک.ک باید انتخاب شود؟! انحلال نمادین پ.ک.ک اگر صادقانه است، باید با انحلال واقعی همه شاخه‌ها، ارائه گزارش از سرنوشت اعضای کشته‌شده، و محاکمه عادلانه فرماندهان ارشد و حامیان بین‌المللی آن همراه باشد. وگرنه، این خبر، فقط فصل تازه‌ای از یک دروغ بزرگ خواهد بود.